

فراشناختی به تربیت اخلاقی کودک از منظر اهداف و اصول براساس اندیشه تربیتی ابن سینا

سعيد بهشتی

محسن ایمانی

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۴/۱۴

ناهید حیدری

علی دلاور

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲۶

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر، فراشناختی به تربیت اخلاقی کودک براساس اندیشه تربیتی ابن سینا، از حیث تبیین مفهوم و نیز مؤلفه‌های آن یعنی؛ اهداف و اصول می‌باشد. از نظر ابن سینا، تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و تلاش جهت پرورش گرایش به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است. از طرفی، تربیت اخلاقی فرد، تضمین‌کننده کمال و سعادت وی در دنیا و آخرت خواهد بود. به بیانی دیگر، تربیت اخلاقی، یعنی آراسته شدن فرد به فضایل اخلاقی و عادات نیکوست که به سبب آن فرق بین خیر و شر و رشد و گمراهی برای انسان میسر می‌شود. اهداف تربیت اخلاقی، براساس اندیشه تربیتی ابن سینا، شامل دو بخش هدف غایی و اهداف واسطه‌ای می‌باشند. هدف غایی از نظر ابن سینا، رسیدن به قرب حق اول، معرفی شد. اهداف واسطه‌ای که در حقیقت وسایلی در جهت نیل به هدف غایی می‌باشند، مشتمل بر: کسب ریاضت، خودشناسی اخلاقی، تکمیل نفس ناطقه، نیل به عزت نفس و آشنایی با اهل بیت (ع) می‌باشند. اصول تربیت اخلاقی نیز از نظر ابن سینا شامل: تأدیب، ترغیب و ترهیب، الگوبرداری، پرهیز از افراط و تفریط و شناسایی روحیات کودکان است. آنچه که از بیانات بوعلی برمی‌آید، این است که در تربیت اخلاقی کودک باید جانب اعتدال را نگه داشت.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی؛ کودک؛ ابن سینا

* نویسنده مسئول دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

nahidheidari20@yahoo.com

beheshti@atu.ac.ir

delavarali@yahoo.com

eimanim@modares.ac.ir

** استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران

*** استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران

**** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

بدیهی است در هر مکتبی، بنیان اساسی تربیت، نتیجه کار و مقصد و هدف «تربیت» است. همه برنامه‌ریزی‌ها، فعالیت‌ها و به‌کارگیری روش‌ها و فنون برای رسیدن به آن هدف است. از این رو، برای تربیت اخلاقی، مفاهیم گوناگونی ذکر می‌شود و قبض و بسط‌هایی را براساس اهداف در نظر گرفته شده، برای آن ذکر می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۸). تربیت اخلاقی کودکان براساس دین مبین اسلام، امری ضروری و لازم است و این ضرورت حداقل در دیدگاه فردی و اجتماعی قابل رسیدگی است. از لحاظ فردی، باید بیان کرد که اخلاق، پایه و اساس همه جوانب و ابعاد زندگی فرد و سبب بسیاری رشدها و پستی‌هاست. چه بسیارند امانت‌های الهی که در سایه بی‌توجهی اولیای کودک، جنبه‌های اخلاقی تربیت آنان لکه‌دار می‌شود. تربیت اخلاقی، کنترلی برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی و رشد معنویت و آرمان‌گرایی است. تربیت اخلاقی می‌تواند تقویت‌کننده جنبه فراخود یا وجدان اخلاقی طفل باشد و زمینه را برای وسعت بخشیدن به اطلاعات او فراهم آورد. حجاب‌های شک و تردید در سایه آن پاره می‌شود و انسان به مراحل از لحاظ رشد می‌رسد که در سایه استدلال عقلی میسر نیست. اگر تربیت اخلاقی براساس اندیشه درست و استوار باشد، موجب رشد و پیشرفت می‌شود و فرد را از سقوط رها کرده و برای زحمات کودک، پاداشی از درون تهیه می‌شود. آلودگی‌ها در او رو به کاهش می‌گذارد و اضطراب و وسوسه‌ها که به‌خصوص در سنین نوجوانی عارض فرد می‌شود، از میان می‌رود و آرامشی نسبی برایش حاصل می‌شود. تربیت اخلاقی، عامل کنترلی برای فرد است که در اجتماع خود را از اذیاء و شرارت‌ها دور نگهدارد، اذیت و آزارش به دیگران نرسد، مردم از دست و زبان و شرش در امان باشند و در حب و بغض‌های اجتماعی، خدا را فراموش نکند (مظلومی، ۱۳۸۹: ۳۱).

روش‌شناسی

این پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس نظری است. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورهای اصلی یک متن یا متون مکتوب، با هدف فراهم آوردن تحلیل توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۲). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان، روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی، از طریق فرایندهای

طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. بنابراین، روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. از دیگر ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی، نظریه‌پردازی به‌جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب ابن سینا و دسته‌بندی مضامین و جملات مرتبط با تربیت اخلاقی سروکار دارد، از این‌رو روش پژوهش، از نوع تحلیل محتوای کیفی است. از طرف دیگر، چون محقق از تبیین مفهوم تربیت اخلاقی از منظر اهداف و اصول، درصدد استنباط کارکردهایی برای تربیت اخلاقی - اسلامی است، از این برای دست‌یافتن به چنین کارکردهایی از روش قیاس نظری نیز استفاده می‌کند.

یافته‌ها

مفهوم تربیت اخلاقی از نظر ابن سینا

منظور ابن سینا از تربیت اخلاقی، بارآوردن زنان و مردانی است که عقیف و دارای اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدارند و در کارها و اعمالشان رضایت خدا را در نظر بگیرند. وی معتقد است، در تربیت اخلاقی باید بکوشیم که عادات نیک را بسیار زودتر و پیش از آنکه عادات زشت پیدا شوند، در کودک پرورش دهیم. در این‌گونه موارد حتی اگر لازم شد کودک را تنبیه کنیم (النقیب، ۱۳۸۲، ترجمه فروغی: ۱۲۰). از نظر وی، تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و تلاش جهت پرورش گرایش به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است. از طرفی، تربیت اخلاقی فرد، تضمین‌کننده کمال و سعادت وی در دنیا و آخرت خواهد بود. به‌بیانی دیگر، تربیت اخلاقی، یعنی آراسته‌شدن فرد به فضایل اخلاقی و عادات نیکوست که به سبب آن فرق بین خیر و شر و رشد و گمراهی برای انسان، میسر می‌شود (همان منبع).

وی تربیت اخلاقی را اصلاح نفس می‌داند و بر اهمیت آن تأکید دارد: «نخستین سیاستی که سزاوار است انسان به آن آغاز کند، سیاست نفس خود اوست؛ یعنی اول باید در اصلاح نفس خود بکوشد، سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برده و خویشتن را صالح و نیکو بنماید؛ چه نفس آدمی نزدیک‌ترین و محترم‌ترین چیزها نسبت به او و میان آنها به عنایت و توجه سزاوارتر

و شایسته‌تر است (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی: ۱۷).

اهداف تربیت اخلاقی از نظر ابن‌سینا

ابن‌سینا، اهداف تربیت اخلاقی را در دو بخش «هدف غایی» و «اهداف واسطه‌ای» معرفی می‌کند. از نظر وی، اهداف واسطه‌ای به‌مثابه وسایلی هستند که نیل به هدف غایی را میسر می‌نمایند.

هدف غایی تربیت اخلاقی

به عقیده شیخ‌الرئیس، سعادت حقیقی عبارت از امری است که ذاتاً مطلوب است و به‌دلیل خودش گزینش می‌شود و مسلم است، آنچه مطلوب بالذات است و امور دیگر هم به سبب آن مطلوب واقع می‌شود، برتر از امری است که به‌دلیل چیزهای دیگر طلب می‌شود. سعادت، هدف غایی است که انسان به‌دنبال کسب آن و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌هاست؛ چراکه شرافت هدایت‌ها به غایاتی است که به آن رهنمون می‌شوند. سعادت بزرگ در نزدیکی به حق اول است که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز است و حکمای الهی میل و رغبتشان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است» (۱۳۹۴: ۷۹ - ۸۰).

«ابن‌سینا آشکارا سعادت را (که همان قرب به حق اول است)، برترین هدف فعالیت‌های انسان و هدایت دیگران به سوی سعادت را برترین هدایت و علوم و معارف راهنمایی‌کننده انسان به سوی سعادت را برترین علوم و معارف می‌داند» (ابن‌سینا، ۱۳۶۷، ترجمه ملک‌شاهی، ۲۶۱).

از نظر ابن‌سینا قرب به حق اول، از طریق کمال نفس ناطقه میسر می‌شود. کمال نفس ناطقه به این است که عالمی معقول شود و مراتب وجود، چه مراتب نزولی و چه مراتب صعودی، همه را به‌خوبی همچنان که هست، بشناسد و هیئت کل وجود و نسبت اجزاء آن به یکدیگر، در نزد او تقرر یابد؛ به‌طوری که کل هستی چنانکه هست در آینه ضمیر انسان منعکس شود (ذهن آینه تمام‌نمای عالم خارج می‌شود و به‌تعبیر عرفا جام جهان‌نماست) و این امر از راه کسب مجهولات به‌وسیله معلومات برای انسان میسر است و از این رهگذر عقل به مرحله عقل بالفعل و عقل مستفاد می‌رسد (ابن‌سینا، ۱۳۹۰، ترجمه یشری: ۷۳).

اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی

۱. تحمل ریاضت

باتکیه بر آموزه‌های اخلاقی ابن‌سینا، چنین می‌توان برداشت کرد که ریاضت و سعی در کسب

آن یکی از اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی است. ریاضت از نظر ابن سینا یعنی تهذیب نفس. وی در این باره چنین می‌گوید: از طریق ریاضت و پیوستن به عالم فرشتگان، نفس انسان می‌تواند بی‌واسطه کسب معرفت کند. وی معتقد است که سالک به برکت ریاضت پیش می‌رود و به حلدی می‌رسد که گویی مصاحبت و معارفه برایش فراهم می‌شود (ابن سینا، ۱۳۳۵، به نقل از طوسی: ۳۷۵). وی در باب شکل‌گیری اخلاق می‌گوید: اخلاق چه جمیل باشد، چه قبیح، اکتسابی است و انسان می‌تواند خلقی را که تا به حال دارا نبوده است، با تکرار و تمرین کسب کند و نیز با اراده خویش، خلق خویش را تغییر دهد و ضد آن را در نفس خویش پدید آورد (عبدالامیر، ۱۹۸۵: ۳۷۳). خلق از نظر ابن سینا، ملکه‌ای است که به وسیله آن افعال به سهولت و بدون تردید از نفس صادر می‌شود. منشأ پیدایش خلق، عادت است. ابن سینا عادت را تکرار زیاد فعل، در مدتی طولانی و در شرایط همسان تعریف می‌کند. به نظر وی، ملاک فضیلت و رذیلت خلق، ملکه اعتدال است (همان، ۲۶۹). ابن سینا معتقد است که اخلاق خیر و فضیلتی است که در همه امور باید مدنظر باشد و تربیت اخلاقی فرد در جامعه را تضمین‌کننده کمال و سعادت او در دنیا و آخرت می‌داند (ابن سینا، بی‌تا: ۵۴).

در دیدگاه ابن سینا، تربیت اخلاقی کودک امری اکتسابی است و نه ذاتی. انسان قابلیت دریافت هرگونه اخلاقی را که از طریق «عادت»، «تقلید»، «ترس» یا «خرد و عقل» به دست می‌آورد، دارد. ابن سینا همچنین تأکید می‌کند که روند اکتساب اخلاق از دوران «نوزادی» شروع می‌شود. به همین دلیل ابن سینا توجه زیادی به مراحل اولیه دوران کودکی دارد؛ مانند توجه به معلم و پرستار کودک و یا همراهان کودک در مدرسه (ابن سینا، بی‌تا: ۵۷).

۲. خودشناسی اخلاقی

در حوزه اخلاق، خودشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، خودشناسی به‌عنوان یک عملکرد اخلاقی مثبت به‌شمار می‌رود که ابن سینا درباره این موضوع می‌گوید: نزدیک‌ترین و مهم‌ترین امر برای انسان، نفس اوست. انسان پیش از تدبیر و تربیت دیگران، باید در پی تربیت خویشتن باشد و برای این امر لازم است خود را بشناسد؛ از این رو خودشناسی و آگاهی بر اوصاف و قوای نفس و زوایای روح خویشتن، از اهداف بنیادینی است که ابن سینا به آن عنایتی ویژه دارد (ابن سینا، ۱۳۴۷: ۱۴). بنابراین، نخستین گام در تربیت، باید تربیت نفس باشد که کلید آن، «شناخت خویشتن» است. فرد باید صفت‌ها و عادت‌های ناپسند خود را به‌طور کامل بشناسد و بر تمامی عیوب نفس احاطه

کامل پیدا کند؛ زیرا اگر عیبی بر وی مخفی بماند، همچون دملی پنهان در زیر پوست، پس از مدتی سر باز می‌کند و بر بیننده آشکار می‌شود. باین‌حال، انسان باید به شناخت خود نسبت به خویشتن و عیوب آن بدگمان باشد؛ چراکه انسان به‌طور طبیعی نسبت به عیوب نفس خویش مسامحه می‌کند و هوی و هوس مانع از آن می‌شود که او به‌خوبی از اخلاق و رفتار ناپسند خویش آگاه شود. از این‌رو، بوعلی توصیه می‌کند که فرد در این باب از دوستی دانا و مهربان یاری جوید؛ دوستی که همچون آینه، نیکی‌ها و زشتی‌هایش را بر او بنمایاند (همان: ۱۶). از این‌رو، امر تربیت اخلاقی یک امر شخصی و فردی نیست، بلکه در این امر خطیر لازم است از افراد مطلع دیگر بهره جست.

در دیدگاه ابن‌سینا اخلاق نیکو و خوش‌خلقی باعث سعادت فرد و جامعه تعریف شده و خوش‌خلقی را نشانه عقل و خرد انسانی معرفی می‌نماید.

۳. تکمیل نفس ناطقه جهت کسب اخلاق حسنه و رفع رذایل اخلاقی

ابن‌سینا خواهان ضرورت درک و شناخت متعلم و به‌کارگیری این شناخت برای یاری او در پیشرفت و شکوفایی و سازگار با نیروهای سرشتی او است. او می‌گوید باید بسیار مراقب اخلاق کودک بود تا معتدل بار آید (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵).

هدف دیگر در فرایند تربیت اخلاقی، تکمیل نفس ناطقه انسان است. این نفس، دارای دو قوه «عقل نظری» و «عقل عملی» نفس است که تکمیل این دو قوه عقل نظری و عملی را می‌توان به‌عنوان اهداف میانی تربیت اخلاقی برای رسیدن به هدف کلی و مقصد نهایی آن یعنی سعادت (قرب به حق اول) به‌شمار آورد. چنانچه گفته شد، نفس ناطقه دارای دو قوه است که شیخ گاهی از آن دو با عنوان «قوه عالمه» و «قوه عامله» و گاهی با عنوان «عقل نظری» و «عقل عملی» یاد می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۶۷، ترجمه ملک‌شاهی: ۱۶۲).

عقل عملی، قوه‌ای است که منشأ حرکت بدن انسان به‌سوی افعال جزئی است. برای وصول به اغراض اختیاری، این قوه آن امور انسانی جزئی را که لازم است انجام گیرد، از طریق مقدمات بدیهی و مشهور با تجربی به کمک عقل نظری درک می‌کند. این قوه باید براساس احکام عقل نظری بر سایر قوای بدن تسلط یابد و بر آنها تأثیر گذارد، نه آنکه از آنها منفعل شود. چنانچه این قوه تحت تأثیر بدن قرار گیرد و در آن هیأت انقیاد حاصل شود، اخلاق رذیله پدید می‌آید. درمقابل، اگر این قوه، منقاد بدن و قوای جسمی نباشد، بلکه آنها را تحت اختیار خویش درآورد،

اخلاق حسنه حاصل می‌شود (همان). عقل نظری قوه‌ای است که در آن صورت‌های کلی مجرد از ماده نقش می‌بندد و اگر این صورت‌ها ذاتاً مجرد نباشند، خود عقل آنها را از علایق مادی مجرد می‌سازد. عقل نظری خود مراتبی دارد که از مرتبه عقل هیولانی شروع و با گذر از مراتب بالملکه و بالفعل، به مرتبه عقل مستفاد نائل می‌شود و با رسیدن به مرتبه مستفاد از عقل فعال، کسب فیض می‌کند (همان: ۳۵۵). بنابراین، در فرایند تربیت باید رشد و پرورش قوای عقلی انسان مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه ابن سینا عادت به اندیشه‌ورزی را مهم‌ترین هدف در کسب معرفت تلقی می‌کند. عادت به تفکر، هرچند استفاده آنی ندارد، ولی باعث رشد علمی و روحیه لذت‌بردن از دانش می‌شود (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۲)

پس بنابراین آنچه که گفته شد، هدف از تربیت، تنها دادن اطلاعات به افراد موردتعلیم نیست، بلکه هدف از تعلیم و تربیت، فعال کردن قدرت و قوه تعقل و تفکر است که براساس دانش عمل می‌کند. پس می‌توان دریافت که تربیتی را که ابن سینا در نظر می‌گیرد، زیر چتر دین و باتأکید بر اندیشه‌ورزی و تعقل در امور است.

۴. آشنایی با اهل بیت علیهم السلام

از نظر بوعلی، آشنایی با اهل بیت علیهم السلام و سخنان و عقاید مربوط به آنان، از جمله عناصر مهم تربیت دینی در فرهنگ شیعی و علوی است. بر والدین ضروری است که ضمن آشنانمودن اجمالی آنان با مذاهب اسلامی، عقاید حقّه شیعه را به آنان تعلیم دهند و بذریعۀ محبت اهل بیت علیهم السلام را در دل‌های آنان بیفشانند و آنان را با معارف غنی، متقن و روشنگر اهل بیت علیهم السلام آشنا نمایند. تعلیم معارف و محاسن دانش ناب اهل بیت علیهم السلام به فرزندان آنها را در حریم امن عقیده قرار داده و از آثار شوم هجوم عقاید و اندیشه‌های ناپاک مصون می‌دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴). وظایف والدین تنها به آموزش برخی مفاهیم و ایجاد پاره‌ای از نگرش‌ها محدود نمی‌شود، بلکه بر آنهاست که برخی گرایش‌های مثبت را به فرزندان خود القا کنند و در جان‌هایشان رسوخ دهند. محبت به خوب‌ها و خوبی‌ها و نفرت از بد‌ها و بدی‌ها، ایمن‌سازی قوی و مؤثری در مقابل هرگونه زشتی و گناه بوده و محرکی به سوی کمال و ترقی معنوی به‌شمار می‌رود. محبت به معصومین (ع) آنان را به حقایق عینی و الگوهایی عملی مبدل کرده، امکان همانندسازی با آنها را فراهم می‌آورد (ابن سینا، بی تا: ۸۸).

۵. نیل به عزت نفس

یکی دیگر از مسائلی که ابن سینا در آثار خود بدان توجه ویژه‌ای داشته است، مسئله اخلاقی عزت نفس بوده است. به اعتقاد ابن سینا یکی از اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی، ایجاد این حس (عزت نفس) در کودکان و نوجوانان است. از جمله مسائلی که باعث ایجاد این حس در کودک می‌شود، مسئله کار و اشتغال است که از یک سو برای کودکان ایجاد حس عزت نفس می‌نماید و از سوی دیگر، آینده کودک را تضمین می‌نماید. در باب مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه جهت اشتغال مولد تأکید می‌کند که نوجوان، در انتخاب صنعتی که می‌خواهد بیاموزد، باید آمادگی و قابلیت‌های خود و امکاناتی را که در اختیار دارد و نیز علاقه شخصی را مدنظر قرار دهد. همچنین وی باید بداند که افراد از نظر توانایی‌های ذهنی و جسمی و ویژگی‌های فردی با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت‌های فردی باید در گزینش صنعت و حرفه رعایت شود (ابن سینا، ۱۳۴۷، ترجمه نقدی: ۳۹ - ۴۰). هنگامی که نوجوان با آموزش‌های تکمیلی و تخصصی، در صنعت و حرفه مورد علاقه خویش تا حدی متبحر شد، باید به کسب درآمد روی آورد و از دسترنج خویش امرار معاش کند. ایشان برای این امر دو فایده ذکر می‌کند: نخست اینکه وقتی نوجوان حلاوت کسب درآمد و امرار معاش از طریق صنعت و حرفه خویش را چشید، دیگر در میانه راه، آن را فرو نمی‌گذارد و می‌کوشد با آموزش و تمرین، به بالاترین درجه تخصص و مهارت در آن صنعت دست یابد. دیگر اینکه نوجوان به تحصیل معاش عادت می‌کند و فردی مستقل و با عزت نفس بار می‌آید. در مقابل، نوجوان و جوانی که به ثروت پدر چشم دوخته و از حاصل تلاش و کار وی زندگی می‌گذراند و با میراث و دارایی بادآورده، ایام را سپری می‌کند، از کسب درآمد و کار و تلاش باز می‌ماند و از تحلی به زیور ادب محروم می‌شود (همان: ۴۲). از این رو، در نظام تربیت سنیوی برای رسیدن به هدف غایی (سعادت)، باید افراد از جنبه اقتصادی نیز واجد صفاتی باشند که مورد توجه ابن سینا بوده است.

اصول تربیت اخلاقی از نظر ابن سینا

الف. نظم و انضباط (تأدیب)

«به کودک باید از زمان شیردادن نظم و انضباط را آموخت و در واقع، نخستین گام‌ها برای آموختن آداب نزاکت و اخلاق و نیز ساختن شخصیت او (تأدیب)، در این مرحله که نخستین مرحله از زندگی انسان است، برداشته می‌شود. از سوی دیگر، آموختن علوم باید از زمانی آغاز شود

که بدن کودک رفته رفته شکل کامل خود را پیدا می کند؛ یعنی هنگامی که بندبند بدنش محکم می شود و گوش ها و زبان به طور صحیح عمل می کنند. علاوه بر این، ابن سینا تأکید می کند که هریک از بچه ها را باید مورد توجه ویژه قرار داد و به فراخور طبع خاصش بار آورد. به هیچ وجه، نباید نوعی برابری کمی را بر همه تحمیل کرد، زیرا این کار تفاوت های کیفیاتی را که در جوهریه ذات انسان ریشه دار است و باید با منتهای دقت و توجه پرورده و حفظ شود، از میان می برد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۸). والدین و مربیان نباید در آموختن نظم و انضباط، قوانین و سختگیری های خشک و خشن به کار گیرند که نه تنها خیری در این کار نیست، بلکه مربی را گریزپا نیز می نماید. در تعلیم و تربیت باید راه و رسم خاص آن را پیمود؛ یعنی باید به تدریج و اندک اندک کودکان را به رعایت نظم و حفظ انضباط آشنا کرد.

ب. ترغیب و ترهیب

ابن سینا از واژه های ترغیب (تشویق) و ترهیب (تنبيه) به عنوان ضمانت اجرایی تعلیم و تربیت استفاده کرده است. از جمله موضوعاتی که ابن سینا، در آرای تربیتی خود به آن توجه کرده، موضوع تشویق و تنبيه است. ابن سینا به سرپرستان کودک از جمله پدر و مادر و معلم کودک توصیه می کند برای ترغیب کودک به اخلاق پسندیده و دورنگهداشتن او از رذایل اخلاقی و عادات ناپسند، از ابزار تشویق و تنبيه استفاده کنند. او برای تشویق یا تنبيه راه های گوناگونی را یاد آور شده است. همچنین بوعلی عقیده دارد "مربی نباید از یک شیوه خاص برای تشویق یا تنبيه استفاده کند. برای مثال، تشویق کودک هم می تواند با تعریف و تمجید از رفتار و اخلاق نیکوی او و هم با انس گرفتن با کودک یا قدردانی از او صورت گیرد" (حمیدی، ۱۳۹۳: ۳۱).

در بیان ماهیت و نحوه استفاده از تشویق و تنبيه در تربیت اخلاقی، ابن سینا معتقد است، معلم باید کودک را گاهی تشویق و گاهی تهدید کند و چنانچه این عمل نتیجه نداد از تنبيه استفاده کند. همچنین وی تنبيه بدنی را در صورت لزوم مجاز دانسته، ولی برای آن شرایطی تعیین کرده است. از جمله این شرایط عبارتند از:

- اولین تنبيه بدنی باید سخت و درد آور باشد تا کودک به شدت بترسد و آن را در یاد داشته باشد که با تکرار رفتار ناپسند، تنبيه دردناکی در انتظار اوست.
- تنبيه بدنی باید پس از ترساندن شدید صورت گیرد. منظور این است که ابتدا به ساکن تنبيه بدنی انجام نشود و لازم است قبل از تنبيه، کودک بسیار ترسانده شود.

- تنبیه بدنی پس از فراهم کردن میانجی و شفاعت انجام شود.
- به نظر می‌رسد بوعلی با ایجاد این شرط، حدی برای تنبیه بدنی قائل است که با به کفایت رسیدن تنبیه، شفیع مداخله کند و تنبیه را خاتمه دهد (ممتحن، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

ابن سینا بر اهمیت تربیت دینی در زمان کودکی تأکید می‌ورزد و در مورد شیوه تربیت هم می‌گوید: «باید مریبان، سختی و نرمی و تشویق و ترهیب را به هم آمیزند» (ابن سینا، ۱۳۶۷، ترجمه ملکشاهی: ۳۲). از دیدگاه ابن سینا یکی از راه‌های جذب فرزندان به سوی آموزه‌های دینی و قرآنی نیز، تشویق و ترغیب است، ولی تشویق در مورد کودکان به صورت اندک مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که تشویق، اگر به گونه‌ای پسندیده و به‌جا باشد، بسیار کارساز است. تحسین و پاداش یکی از راه‌های جذب کودکان به سوی فضایل اخلاقی است. تشویق، تکرار عمل نیک و مطلوب را افزایش داده، تاجایی که به صورت ملکه رفتاری در شخصیت فرد نمایان می‌شود. ابن سینا به مریبان توصیه می‌کند: اگر عمل مطلوبی هرچند ناچیز از متری سرزد، آن را بی‌پاسخ نگذارید، بلکه به اقتضای این اصل لازم است پاداش از حد عدالت بگذرد (مبالغه در پاداش). از سوی دیگر از نظر ابن سینا زشت‌گویی همان زشتکاری است و به همین علت به مریبان توصیه می‌کند که همواره دقت کنند تا کودکان سخنان هرزه نشنوند و نگویند. همچنین به مربی اجازه می‌دهد اگر کودکی سخنی زشتی گفت او را مجازات کند (احمدی، ۱۳۸۴: ۶۸).

ج. الگوبرداری از مربی

در نظر ابن سینا تربیت مقدم بر تعلیم است و در مورد ویژگی‌های معلم کودکان می‌نویسد: «پدر و مادر باید معلمی دیندار و خردمند و متخلق به اخلاق پسندیده انتخاب کنند و نیز آموزگار باید خوشرو، باوقار و پاکیزه باشد. باید که تعلیمات نخستین، مبتنی بر امور دینی و حفظ اشعاری که او را به مکارم اخلاق ترغیب کند، باشد. نکته دیگری که شیخ‌الرئیس در باب تعلیم و تربیت دینی کودک مورد توجه قرار می‌دهد، هم‌کلاسی‌ها و هم‌شاگردی‌های دانش‌آموز است. او در این باره توصیه می‌کند: باید که پدر و مادر بکوشند تا فرزندشان با بزرگ‌زادگان و صاحبان اخلاق عالی هم‌درس باشد، زیرا که کودک از کودک تقلید کند و به او انس گیرد (ابن سینا، ۱۳۶۷، ترجمه ملکشاهی: ۲۶). همچنین از دیدگاه ابن سینا تربیت دینی کودک در برابر معلم، علی‌رغم تأکید بر لزوم دانایی معلم، باین وجود، آن را شرط کافی برای نشستن بر کرسی معلمی نمی‌داند، بلکه آنچه که معلم را الگو و سرمشق اخلاقی - رفتاری کودکان قرار می‌دهد، اخلاق، ادب و تقوای اوست (خلیلی و

همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۵). بنابراین، منظور از دینداری و دارابودن این خصوصیات عالی اخلاقی، آن است که شخصیت و منش معلم در تربیت دینی تأثیر گذارد و کودک به آنها آراسته شود.

د. پرهیز از افراط و تفریط

نکته مهم در بیان ابن سینا از قاعده اعتدال، اکثری و غالبی دانستن آن است که نشانگر توجه وی به اشکال عدم امکان تعمیم این قاعده بر تمامی فضایل و رذایل اخلاقی است. وی می‌گوید: «همانا اکثر فضایل حدوسط بین رذائل هستند و بعضی از فضیلت‌ها حدوسط بین دو رذیلت هستند که آنها مانند افراط و تفریط هستند. عبارت «افراط و تفریط» در کلام ابن سینا همچنین بر این دقت او دلالت دارد که دو طرفی که به عنوان افراط و تفریط یک فضیلت بیان می‌شوند، ممکن است به معنای دقیق کلمه، افراط و تفریط آن صفت و فضیلت نباشد، بلکه به طور تسامحی، دو طرف آن فضیلت تعیین گردند» (اترک، ۱۳۹۳، به نقل از ابن سینا: ۱۴۱).

براساس عقیده سنیوی، هدف اصلی سلامت، حفظ اعتدال بدن است و ممکن است که بگوییم که در هنر حفظ سلامت، چیزی است که بر پایه علل عمومی و ضروری بر پایه اعتدال بنا گشته است. «ابن سینا معتقد بود که در رفتار با کودکان باید مهربان بود و رشد کودک باید در حد اعتدال باشد و کودکان را نباید به نشستن و یا راه رفتن مجبور کرد. رفتار و شخصیت کودکان در دوران کودکی شکل می‌گیرد. ابن سینا همچنین در آموزش دینی نوجوانان بر لزوم حد اعتدال و عدم افراط و تفریط تأکید دارد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین، براساس قاعده اعتدال باید به این نکته اشاره کرد که لازم است حد اعتدال را در هر شرایطی، میزان قرار داد. بررسی همه‌جانبه گفتارهای ابن سینا در مورد افراط و تفریط به خوبی این حقیقت را استنباط می‌کند که اسلام، نظام عالم را - که نظام احسن است - به عنوان نظامی اعتدالی معرفی نموده و انسان را در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی، به میانه‌روی و اعتدال، فراخوانده و در هر کاری و هر خصلتی، افراط و تفریط را مذمت و محکوم کرده و اعتدال و میانه‌روی را در تمام امور زندگی، مفید و پسندیده دانسته است.

به نظر ابن سینا، ملاک فضیلت و رذیلت خلق، ملکه توسط (اعتدال) است. اعتدال در مورد خلقی به کار می‌رود که میان دو خلق متضاد، یعنی افراط و تفریط قرار دارد (ابن سینا، ۱۳۹۰، به نقل از شجاری: ۲۹ - ۳۰). بنابراین، ارزش هر صفتی به میانه‌روی در آن است. هرگونه افراط و تفریط، موجب می‌شود عنوان ممدوح و پسندیده بودن از یک صفت سلب و عنوان نکوهیده و رذیله بر آن

اطلاق شود. صفات نیکو تا زمانی آثار پسندیده در پی دارد و برای جامعه سودمند است که از حد اعتدال خارج نشود؛ درغیراین صورت، نتایج سوء و زیانباری بر آن مترتب خواهد شد. ازاین رو، افراط در بخشش، به تبذیر، زیاده روی در فروتنی، به ذلت و خواری و افراط در بزرگ منشی، به کبر و خشم بر اطرافیان منجر می شود. در زمینه افعال نیز، شخص باید اعتدال را ملاک خویش قرار دهد. مثلاً، در معاشرت با دوستان، از افراط و تفریط بپرهیزد؛ زیرا زیاده روی در انس گرفتن و شوخی، از قدر و منزلت فرد نزد دوستانش می کاهد و حتی گاهی ملالت و دلسردی، جایگزین محبت و دوستی شده، باعث می شود شخص به دوستان بد گرفتار آید. درمقابل، چنانچه در این امر سستی ورزد، و به مدت طولانی از ملاقات و ارتباط با دیگران اجتناب کند، محبت و علاقه کاهش می یابد و شخص، دوستان خود را ازدست می دهد و آنها را از اطراف خویش پراکنده می سازد. در تربیت دینی نیز باید به این اصول پایبند بود، زیرا افراط و سختگیری بیش از اندازه در دوران کودکی، باعث انزجار یا کج فهمی کودک از مفاهیم دینی در تربیت دینی می شود و اهمال و غفلت در تعلیم و تربیت دینی باعث جهل و عدم رشد کودک در زمینه تربیت می شود (همان: ۲۰).

کسانی که در تربیت فراگیران فعالیت می کنند، نباید جوانب اعتدال را ازدست بدهند، زیرا خارج شدن از اعتدال نتیجه ای جز شکست در پی نخواهد داشت. ازاین رو، باتوجه به آراء ابن سینا درباب اعتدال، می توان آن را به عنوان یک اصل تربیتی استخراج کرد. از آنجاکه به عقیده شیخ الرئیس، سعادت حقیقی آن است که انسان به کمال قوه نظری و عملی نائل شود، کسی که در قوای سه گانه شهوانیه، غضبیه و عقلیه حالت میانه روی را رعایت کند و در نتیجه فضائل عفت، شجاعت و حکمت را که جامع فضائل دیگرند، دارا باشد، به فضیلت عدالت که جامع این سه است، آراسته می شود و این کمال قوه عملی است. کمال قوه نظری نیز به آن است که صورت کامل و نظام معقول در انسان ترسیم و انسان به عالم عقلی مبدل شود. پس راه تحصیل سعادت که در واقع، یکی از مؤلفه های تربیت اخلاقی است، از دید شیخ الرئیس، نیل به کمال در دو قوه علمی و عملی است که این خود نیز مستلزم عدالت در سه قوه شهویه، غضبیه و عقلیه است (داوودی، ۱۳۹۲: ۱۹۲).

به نظر ابن سینا ملاک انسان سالم، وجود ملکه توسط (اعتدال) است. توسط به حالتی در فرد گفته می شود که بین دو حالت افراط و تفریط قرار دارد. شخصیت سالم از نظر ابن سینا، براساس چهار صفت: عفت، شجاعت، حکمت و اعتدال تبیین شده است: عفت، حالت توسط و بهنجاری در بعد

شهووی شخصیت است؛ شجاعت اشاره به حالت اعتدال در بخش غضبی شخصیت دارد و حکمت نیز حالت توسط در بخش تدبیری و عقلانی شخصیت است. این سه اصل هر کدام، به یک بعد از شخصیت انسان مربوط است، براساس این معیارها می‌توان مشخص کرد که فرد در کدام قلمرو و ویژه‌اندازه دارای سلامت روان است (ابن‌سینا، ۱۳۶۷، ترجمه ملک‌شاهی: ۴۳۰). عدالت، ترکیبی از ویژگی‌های عفت، شجاعت، حکمت بوده و ارزیابی جامع‌تری از ابعاد شخصیت فرد می‌باشد. این اعتدال به معنای رعایت حرکت در مدار وسط در خردورزی و فضیلت، «حکمت» را در پی دارد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۷۰).

ه. شناسایی روحیات کودکان

ابن‌سینا معتقد است که انسان‌ها بایکدیگر مساوی نیستند و از نظر توان جسمی، قدرت تفکر، هوش و استعداد و زیرکی و... با هم متفاوتند (ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ترجمه نقدی: ۴۱ - ۴۰). معلم باید روش تربیت اخلاقی کودکان و تهذیب اخلاق آنان را بداند، بتواند کودکان را از جنبه‌های مختلف دینی بشناسد، قریحه آنان را بسنجد و هوش ایشان را بیازماید. ابن‌سینا در مسئله تربیت دینی عقیده دارد که معلم باید کودک را گاهی تشوق و گاهی هدیه کند و چنانچه این عمل نتیجه نداد، از تنبیه استفاده کند. وی اعتقاد دارد که معلم هنگام تدریس مطالب دینی و مذهبی باید رویه‌ای معتدل، خردمند و خداترس داشته باشد؛ یعنی نه خود را چنان وانمود کند که کودک جرئت سؤال کردن نداشته باشد و نه چنان با ملایمت و آرامی رفتار کند که کودک جسور و دلیر شود و به مطالب او توجهی نشان ندهد (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی: ۱۰۱).

ابن‌سینا بر اهمیت تربیت در زمان کودکی تأکید می‌ورزد و در مورد شیوه تربیت هم می‌گوید: «باید مربیان، سختی و نرمی و تشویق و ترهیب را به هم آمیزند.» در نظر ابن‌سینا تربیت مقدم بر تعلیم است و در مورد ویژگی‌های معلم کودکان می‌نویسد: «پدر و مادر باید معلمی دیندار و خردمند و متخلق به اخلاق پسندیده انتخاب کنند. آموزگار باید خوشرو، باوقار و پاکیزه باشد. باید تعلیمات نخستین بر امور دینی و حفظ اشعاری که او را به مکارم اخلاق ترغیب کند، مبتنی باشد. نکته دیگری که شیخ‌الرئیس در باب تعلیم و تربیت کودک مورد توجه قرار می‌دهد، هم‌کلاسی‌ها و هم‌شاگردی‌های دانش‌آموز است. او در این باره توصیه می‌کند: باید که پدر و مادر بکوشند تا فرزندشان با بزرگ‌زادگان و صاحبان اخلاق عالی هم‌درس باشد، زیرا که کودک از کودک تقلید کند و به او انس گیرد. ابن‌سینا «آموختن علم را کافی نمی‌داند و تأکید می‌کند که دانش‌آموزان

علاوه بر علم، باید حرفه و صنعتی نیز فراگیرند و در آن مهارت کسب کنند، اما توصیه می‌کند که حرفه متناسب با استعداد و علاقه آنها باشد (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸).

مراحل تربیت اخلاقی از نظر ابن‌سینا

الف. مرحله اول کودکی، تربیت در منزل (تولد تا شش‌سالگی)

- باید به کودک از ابتدای شیرخوردن، نظم و انضباط را آموخت و در واقع نخستین گام‌ها، برای آموختن آداب نزاکت و اخلاق و نیز ساختن شخصیت او یا همان (تأدیب)، در این مرحله که نخستین مرحله از زندگی انسان است، برداشته می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۶۶، ترجمه شرف‌کندی: ۱۵۰).

- ابن‌سینا معتقد است انسان باید در عقل به جایی برسد که بر همه غرایز و نیروهای نفس ناطقه حاکم گردد. در این صورت اخلاق فضیلت شکل می‌گیرد. ولی اگر عقل محکوم مقهور قوای شهویه و غضبیه شود، اخلاق رذیله شکل می‌گیرد. رسیدن به کمال عقل نظری، منوط به اصلاح و تهذیب عقل عملی است (ابن‌سینا، ۱۴۰۰ق: ۴۵۵). از آنجاکه کودک در این مرحله هنوز به حاکمیت عقل عملی دست نیافته و در حال گذر از عقل بالملکه به عقل بالفعل است، وی معتقد است: راه دستیابی به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، انجام پیوسته رفتارهای مطلوب اخلاقی است، تا به عاداتی راسخ در جان کودک تبدیل شوند (داوودی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). علاوه بر این، ابن‌سینا تأکید می‌کند که هر یک از بچه‌ها را باید مورد توجه ویژه قرار داد و به فراخور طبع خاصش بار آورد. به هیچ وجه، نباید نوعی برابری کمی را بر همه تحمیل کرد. تفاوت‌های کیفی در جوهر ذات انسان ریشه دارد و باید با منتهای دقت و توجه پرورده و حفظ شود. او در واقع، تا بدانجا پیش می‌رود که موكداً می‌گوید ملاحظه صرف انسان‌ها بر مبنای برابری کمی به تباهی و نابودی آنها منجر می‌شود (آریا، ۱۳۹۱: ۳۹).

ب. مرحله دوم کودکی، تربیت در مکتب (شش‌سالگی تا سیزده‌سالگی)

- ابن‌سینا تأکید می‌کند که تربیت اخلاقی، امری کاملاً اکتسابی است. در درجه اول والدین و محیط منزل و در درجه دوم، مدرسه و دوستان و همراهان کودک و معلم کودک نقش اساسی را در تربیت اخلاقی کودک دارد. در این مرحله کودک بیشتر نیازمند جهت‌دهی رفتار است؛ زیرا عقل عملی امکان صدور حکم به انجام یا عدم انجام فعلی را می‌یابد (طالبی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). اصل مهم در اینجا القاء، ضبط و مهار هیجانات است. باید مراقب بود که کودک، به هیجانات خشم یا ترس مجال بروز ندهند، یا به واسطه دل‌مردگی و افسردگی این هیجانات، خاموش نشوند، یا

دستخوش بی‌قراری نگردند. بنابراین، باید به هیجان‌آمی‌های مجال بروز داد که مطبوع و دلپذیرند و می‌باید از امور نفرت‌انگیز و انزجاربرانگیز اجتناب کرد. در نتیجه، ذهن از همان آغاز به هیجان‌آمی مثبت‌خو کرده و عادات نیک را پرورش می‌دهد، در حالی که بدن نیز از این عادات ذهنی سودمند، بهره‌مند می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی: ۱۱۱). او در این زمینه چهار توصیه دارد:

- اعتدال در رفتار؛

- برنامه صحیح غذایی و نوشیدنی‌های سالم و خواب و استحمام معتدل؛

- رفتن به مدرسه درس شش‌سالگی؛

- اجبار نبودن تعلیم و تربیت (ابن‌سینا، ۱۳۹۰، ترجمه یثربی: ۷۸).

نتیجه‌گیری

باتوجه به بیانات بوعلی، تربیت اخلاقی یعنی پرورش استعدادهای درونی کودک در جهت گرایش به کسب فضایل اخلاقی و رفع رذایل اخلاقی. وی معتقد است که این فرایند مهم را باید از اوایل زندگی آغاز کرد و زمینه‌های آن را حتی قبل از تولد کودک فراهم نمود. از نظر ابن‌سینا باید قبل از اینکه روح و جان کودک با خلق‌ها و عادات زشت، خو بگیرد او را با عادات نیکو و پسندیده آشنا کرد. از نظر او بالاترین هدف تربیت اخلاقی، رسیدن به مقام قرب الهی است، لذا برای این مهم باید ابزاری فراهم نمود تا نیل به آن هدف والا میسر شود. در این میان، به مواردی همچون کسب فضایل و رفع رذایل اخلاقی و همچنین شناخت فرد از نفس خویش و سعی در از بین بردن معایب اخلاقی خویش می‌توان اشاره کرد. ابن‌سینا عقیده دارد در تربیت اخلاقی کودک باید رویه‌ای معتدل داشت و ابتدا از امور آسان آغاز کرد. همچنین وی اکیداً توصیه می‌کند که والدین و معلمان کودک در حکم الگو و اسوه اخلاقی برای کودک هستند، لذا باید ابتدا خود عامل به عمل باشند تا کودک بتواند با آنها همانندسازی کند. از دیگر مواردی که این پژوهش به آن اشاره نمود این است که والدین و معلمان باید از هرگونه افراط و تفریط در تربیت اخلاقی کودک به شدت پرهیزند؛ چراکه صدمات جبران‌ناپذیری بر زندگی آینده کودک برجا خواهد گذاشت. در مقابل نیز اشاره می‌کند که با استفاده از دو فرایند تشویق و تنبیه می‌توان کودکان را در کسب عادات نیکو و رفع عادات زشت یاری رساند.

منابع

- آریا، امیر (۱۳۹۱)، معرفی آراء روان‌شناسی و تربیتی ابوعلی سینا با مختصر افکارش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۴۰۰ق)، رسائل الشيخ بوعلی سینا، رساله فی السعاده، قم: انتشارات بیدار.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۷)، اشارت و تنبیهات، جلد دوم؛ منطق، ترجمه حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش.
- ابن سینا، ابوعلی (بی‌تا)، عیون الحکمه، مندرج در رسائل ابن سینا، قم: انتشارات بیدار.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۱۹)، ابن سینا و تدبیر منزل، ترجمه و نگارش محمد نجمی زنجانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۴۷)، تدابیر المنازل و السياسات الاهلیه، ترجمه جعفر نقدی، بغداد: مجله المرشد.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۷۷)، الهیات نجات، ترجمه یحیی یثربی، چاپ اول، نشر فکر روز.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۶)، فنون سماع طبیعی، ترجمه محمدعلی فروغی، تهران، نشر نو.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۳۵)، الاشارات و التنبیهات مع شرح نصیرالدین الطوسی، قم: نشر بلاغت.
- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۶)، قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کنندی، تهران، سروش.
- اترک، حسین (۱۳۹۳)، فضیلت‌گرایی اخلاقی ابن سینا، پژوهشنامه اخلاق، سال هفتم، ش ۲۳: ۲۵ - ۴۴.
- احمدی، احمد (۱۳۸۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- احمدی، احمد (۱۳۹۰)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، تهران: جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی) بخش فرهنگی.
- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۴)، آراء دانشمندان مسلمان به‌ویژه ابن سینا در تعلیم و تربیت اسلامی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اعرافی، علی‌رضا؛ فتحعلی‌خانی، محمد، فصیحی‌زاده، علی‌رضا و فقیهی، علینقی (۱۳۸۸)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت.
- النقیب، عبدالرحمان (۱۳۸۲)، اندیشه‌های تربیتی ابن سینا، ترجمه، علی فروغی، نشریه اسوه، ش ۱۳.
- ایمان، محمدتقی و کلاته‌ساداتی، احمد (۱۳۹۶)، روش‌شناسی تحقیقات کیفی، انتشارات حوزه و دانشگاه.
- آریا، امیر (۱۳۹۱)، معرفی آراء روان‌شناسی و تربیتی ابوعلی سینا با مختصر افکارش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- حمیدی، حمید (۱۳۹۳)، روش در معرفت‌شناسی ابن سینا، مجله ایران‌شناسی: ش ۱.
- خلیلی، سمیه؛ افشار، لیلا و عباس، محمود (۱۳۹۰)، بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا (یک مقاله مروری)، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال سوم، ش ۸.

داودی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی و نقد اهداف تعلیم و تربیت در حکمت سینایی، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.

زیباکلام، فاطمه و احمدی، سمیرا (۱۳۸۴)، بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ش ۲.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی.

شجاری، مرتضی (۱۳۹۰)، سعادت و رابطه آن با معرفت و عبادت از دیدگاه ابن سینا، نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، شماره مسلسل ۸.

عبدالمیر، شمس الدین (۱۹۸۵م)، المذهب التربوی عند ابن سینا، بیروت: الشركة العالمیة للكتاب.

طالبی، محمدحسین (۱۳۹۰)، نظریه قانون طبیعی در حکمت، مجله معرفت فلسفی، ش ۲: ۱۸۱ - ۲۰۳
مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۹)، گامی به سوی تربیت، ج ۴، تهران: نشر آفاق.

ممتحن، مهدی (۱۳۹۱)، واکاوی نگاره های تربیتی تشویق و تنبیه، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.

نصرتی، کمال؛ نوروزی، رضاعلی؛ میرشاه جعفری، ابراهیم و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۹۳)، اهداف تربیت از نگاه ابن سینا، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی، (مشکوه النور)، سال هجدهم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی